

فرهنگ سازی الزامات غیراقتصادی تمدن سازی در واژگان اقتصادی قرآن کریم



سیده سمانه نطقی مقدم*
محمد مصطفی اسعدی**



10.22034/JKSL.2024.431175.1297



20.1001.1.27833356.1403.5.2.6.6

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

مقاله: پژوهشی

چکیده

تحقق آرمان شهر قرآنی مبتنی بر درک همه زوایای فرهنگی و تمدنی کتاب وحی است. مسئله این پژوهش آن است که در نگاه موردی به واژگان اقتصادی قرآن کریم، الزامات تمدنی امت اسلامی در بخش غیراقتصادی با چه مؤلفه‌هایی فرهنگی به‌عنوان حجیم‌ترین موضوع، هم‌چنین افزایش تعاون و همیاری اجتماعی و نیز افزایش و ثبات امنیت جانی و سرزمینی، الزاماتی است که در این‌گونه از واژگان قرآن جانمایی شده است. در نتیجه مشخص گردید قرآن با کاربست واژگان اقتصادی که همه‌فهم و برای عموم جامعه کاربردی است، می‌کوشد تا با این مضامین جامعه را به سمت آنچه تمدن تراز اسلامی بدان نیاز دارد، سوق دهد و با ایجاد گفتمانی رایج در فضای امت اسلامی، نسبت به نقش آفرینی تمدنی هرچه بیشتر آحاد مسلمانان هدف‌گذاری نماید. به‌علاوه قرآن در کاربست این واژگان، هم به آسیب‌های اقشار مسلمان توجه می‌کند و هم آسیب‌های غیرمسلمانانی را که بر فرهنگ و تمدن امت اسلامی اثر می‌گذارند، مطرح‌نظر قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: قرآن و فرهنگ، قرآن و تمدن، تمدن‌سازی، فرهنگ‌سازی، واژگان اقتصادی قرآن.



* دانشجوی دکتری مدرسی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، دانشکده مطالعات تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

baran.notghi1364@gmail.com

** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.



استناد به مقاله

نظقی مقدم، سیده سمانه و اسعدی، محمد مصطفی. (۱۴۰۳). فرهنگ سازی الزامات غیراقتصادی تمدن سازی در واژگان اقتصادی قرآن کریم. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۵(۲)، ۱۳۲-۱۵۶
doi: 10.22034/jksl.2024.431175.1297



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. بیان مسئله

نیک می‌دانیم قرآن کریم متغیّر ذاتی و اصیل فرهنگ اسلامی است که نظام بینشی و منشی و کنشی معیار را در سطح فراعصری و فرانسلی به جامعه بشریت عرضه نموده است. این منبع و حیانی، هنجارهای انسان‌ساز و جامعه‌ساز خود را در قالب‌ها و بسترها و زمینه‌های گونه‌گون فردی و اجتماعی جانمایی نموده است تا در فرایندی تدریجی، فرهنگ عمومی با فرهنگ معیار انطباق حداکثری پیدا کند. در این مسیر، روش‌ها و سبک‌ها و الگوهایی که این منبع فرابشری به کنشگران و فعالان فرهنگی و دینی می‌آموزد، می‌تواند نقش بی‌بدیلی در اعتلای فرهنگ جوامع اسلامی و حتی غیراسلامی داشته باشد. از دیگر سو می‌دانیم که عینی‌سازی تمدن مطلوب اسلامی پس از انحطاط تاریخی و فرار رسیدن دوره احیا، وابسته به دوری از اقسام التقاط‌ها و انحراف‌ها و کج‌روی‌هایی است که در سیر فراز و فرود این تمدن روی داده است. امروزه ساخت یک تمدن بین‌المللی اسلامی باید بر مدار آموزه‌های عمیق و دقیق همین کتاب باشد؛ وگرنه سلاطین و علایق قومیتی و ملیتی همواره می‌تواند مانعی جدی در شکل‌گیری واقعی امت واحد و متحد به شمار آید. به هر روی، مطالعه و مذاقه در آموزه‌های متنوع کتاب وحی نشان‌گر آن است که قرآن کریم در خلال بیان مواظ اخلاقی و عرفانی، فقهی و شرعی و سایر مطالب انفرادی و اجتماعی، در رویکردی کلان، به الزامات تمدن‌ساز امت اسلامی نیز توجه داشته است. الزاماتی که هم مبانی آن مورد توجه پژوهشگران بوده است (روحانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰) و هم ابعاد و اضلاع آن می‌تواند مورد واکاوی و بازاندیشی قرار گیرد.

واژگان اقتصادی قرآن کریم آن دسته از لغات کتاب وحی است که از حیث معنایی، در وهله نخست مفاهیم مرتبط با مسائل مالی را منتقل می‌سازد؛ مانند شراء و اشتراء، بیع، تجارت، کسب، قرض، مال، ثمن و اجر. کاربست این موارد گاهی همسو با همان واژگان اقتصادی، مضمون و نکته‌ای اقتصادی را بیان می‌کند. گاه نیز این موارد در موضوعاتی غیراقتصادی به کار رفته، اما واژگان، همان واژگان اقتصادی است. مسئله پژوهش حاضر بخش دوم از این واژگان است که مضمون اقتصادی ندارد، اما با واژگانی اقتصادی موضوعی فرهنگی و تمدنی را ناظر به نیازهای جامعه و امت اسلامی آشکار می‌سازد. پژوهش پیش‌رو می‌کوشد با مذاقه در این دسته از آیات، رویکردی تمدنی را واکاوی کند؛ زیرا فارغ از آنکه اقتصاد به‌عنوان یکی از اضلاع تمدن به شمار

می رود (اسعدی، ۱۴۰۲، ص ۳۶)، بسیاری از مسائل فرهنگی و تمدنی، در همین گونه آیات قابل رهگیری و پی جویی است. بر این اساس مسئله پژوهش حاضر آن است که در نگاه موردی به واژگان اقتصادی قرآن کریم، الزامات تمدنی امت اسلامی در بخش غیراقتصادی چگونه و با چه مؤلفه‌هایی فرهنگ‌سازی می‌شود؟ به دیگر سخن، قرآن چطور جریان تمدن‌سازی را در قالب واژگان اقتصادی در فرهنگ عمومی جامعه اسلامی جانمایی کرده است؟ قید «غیراقتصادی» به جهت جزئی‌سازی مسئله پژوهش اضافه شده است؛ زیرا با وجود کثرت موضوعات اقتصادی در کتاب وحی، همه ابعاد آن در حجم یک مقاله پژوهشی قابل پردازش نیست.

ضرورت پاسخ به این مسئله در بعد عام، ناظر به ضرورت تدبیر روش مند و قاعده‌مند در کتاب وحی است که بتواند الگوهای کاربردی موردنیاز انسان را از آن استخراج نماید. علاوه بر این در بعد خاص، ضرورت این پژوهش همسوا با اهمیت جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی بر مبنای قرآن کریم است. قطعاً اگر قرار است جامعه اسلامی بر مبنای آموزه‌های وحیانی ساختار بیابد و فراتر از آن، تمدنی جهانی بر این مبنای شکل بگیرد، بدون فهم سبک‌شناسانه این کتاب، آن هدف محقق نخواهد گردید.

پیش از این، پژوهشی منطبق با مسئله قرآنی تمدنی حاضر یافت نگردید. پژوهش‌ها در این زمینه عمدتاً به تمدن اسلامی نگاه تاریخی دارد. در پژوهشی با عنوان «اصول کلی اقتصادی تمدن نوین اسلامی براساس سنت نبوی» (جوکار و مهدوی راد، ۱۳۹۹، ص ۶۹) در نگاه خاص به سیره نبوی، مسائلی همچون تأکید بر اشتغال، ترغیب به تولید، مبارزه با فقر و مبارزه با اشرافیت مورد توجه قرار گرفته و التفاتی به آیات قرآن نشده است. نیز در مقاله‌ای با عنوان «شاخصه‌های اقتصادی تمدن اسلامی» (میرجیلی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۲) سه مقوله کار و سرمایه و تولید بررسی شده است. این نوشتار ضمن آنکه رویکرد خاصی به مسئله حاضر ندارد، در توجه به دیدگاه فرهنگ اسلامی، نگاه عامی به قرآن و سخنان معصومان می‌افکنند.

فرضیه پژوهش حاضر آن است که قرآن کریم در فرازهایی که با مضامین اقتصادی ارائه کرده، مسائل مختلفی از تمدن اسلامی را که هم بعد مالی و هم بعد غیر مالی دارد، فرهنگ‌سازی نموده و با این روش می‌کوشد تا تمدن معیار در همه ادوار تاریخی، با نقش فراگیر حاکمیت و ملت در امت اسلامی شکل بگیرد؛ مشروط بر آنکه درک عمیق و دقیقی از کتاب وحی به عموم مسلمانان منتقل شده باشد.



۲. یافته‌ها

براساس استقراء صورت‌گرفته در آن دسته از آیات قرآن که دارای مضامین اقتصادی است، آشکار گردید که کتاب وحی، بسیاری از مسائل فرهنگی و تمدنی موردنیاز جامعه اسلامی و جامعه بشری را در همین قالب منتقل ساخته و ضمن کاربست یک گفتمان رایج و همه‌فهم، جامعه را از حیث تمدنی، به سمت اعتلا پیش می‌برد.

۲-۱. زدایش آسیب‌های فرهنگی

می‌دانیم تمدن‌پژوهان یکی از عوامل پیدایی هر تمدن را فرهنگ می‌دانند و رابط فرهنگ و تمدن را بود و نمود تصویر می‌کنند (کاشفی، ۱۳۹۰، ص ۳۰). فرهنگ بن‌مایه‌ای است که اگر سالم نماند، قطعاً تمدن سالم نخواهد ماند. روشن است که هر تمدنی بدون رصد آسیب‌های فرهنگی و تلاش مستمر برای پالایش و زدایش آن‌ها، نمی‌تواند مسیر اعتلا و شکوفایی را بییماید. آسیب‌های فرهنگی را آفات نرم‌افزاری هر تمدن دانسته‌اند که می‌تواند مانع پیشرفت یک تمدن شود و حتی در شرایطی، پسرفت و انحطاط آن را زمینه‌سازی کند. به همین جهت رویکرد بنیادین کتاب وحی در تمدن‌سازی، توجه به مسائل فرهنگی ائت و ساخت جامعه‌ای بر مدار فرهنگ معیار است.

در این عرصه، در کنار ده‌ها ابزار قرآنی، کاربست واژگان اقتصادی نیز قابل توجه است. یکی از موارد مکرر این موضوع، همسویی این واژگان با شریعت و دین حق به‌عنوان هنجارهای تراز فرهنگ دینی است که آیات متعددی نسبت به آن التفات می‌دهد؛ برای مثال قرآن در آیات متعددی مفهوم «اِثم» یا «خطیئه» را که نقطه روشن ناهنجاری دینی است، با مفهوم اقتصادی «کسب» بیان می‌کند (نساء: ۱۱۱-۱۱۲).

نکته مهم آن است که قرآن رویه فوق را ذیل همان مفهوم کسب، نه تنها ناظر به ناهنجاری‌های شخصی، بلکه در رویکردی وسیع‌تر، ناظر به گروه‌های نابهنجار اجتماعی مانند منافقان (نساء: ۸۸)،^۱ سارقان (مائده: ۳۸)^۲ و ظالمان (انعام: ۱۲۹)^۳ بیان کرده و هشدار مناسب یا مجازات آن را بیان فرموده است. در گام بعد و در رویکردی کاملاً تمدنی، عملکرد ضدفرهنگی برخی اقوام تاریخی

۱. فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرَكْسُهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتْرِيدُونَ أَنْ تَهْتَدُوا مِنْ أَضَلِّ اللّٰهِ وَمَنْ يُضِلِّ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

۲. وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۳. وَكَذٰلِكَ نُؤَيُّ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ



را با همین ادبیات نقد و نتیجه کنش ضدارزشی آنان را بیان می‌کند. برای نمونه در مورد قوم ثمود فرمود:

«وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»: اما ثمودیان را هدایت کردیم، ولی آنان کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند. نهایتاً به کیفر آنچه همواره مرتکب می‌شدند، فریاد [مرگبار] عذابِ خَفَّتْ بار، آنان را فروگرفت (فصلت: ۱۷).

اما در سوره محل بحث، حجیم‌ترین اصطلاح اقتصادی که به زدایش آسیب‌های فرهنگی در لایه‌های مختلف اجتماع می‌پردازد، مفهوم «خرید» (اشترأ) است که هم آسیب‌های متنوعی را تحلیل می‌کند و هم اقشار مختلفی از جامعه را رصد و گزارش می‌نماید. زدایش آسیب‌ها ناظر به گروه‌های مختلف اجتماعی در چند سطح دنبال شده است.

۲-۱-۱. آسیب‌های فرهنگی امت اسلامی

سطح نخست از این نگاه فرهنگی ناظر به مسلمانانی است که دچار برخی معضلات فردی شده یا مرتکب رذایل اخلاقی را شده‌اند. در حقیقت برخی ایجادکننده آسیب‌های فرهنگی در جامعه دینی هستند. قرآن پس از شناساندن ویژگی‌های بیمار دلان، در نتیجه‌گیری از بحث اجتماعی معرفتی اخلاقی خود می‌فرماید:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبَحَتْ بِتِجَارَتِهِمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»: آنان کسانی هستند که گمراهی را به جای هدایت انتخاب کردند. [در نهایت] تجارتشان هیچ سودی نکرد و از راه‌یافتگان [به سوی سعادت] نبودند (بقره: ۱۶).

این ادبیات که هیچ بعد اقتصادی ندارد، در واقع ابداع قرآن کریم در خرید و فروش فرهنگ دینی و ناظر به بیمار دلانی است که در فضای جامعه اسلامی مدعی اصلاح‌گری و در عین حال منشأ فساد در اجتماع هستند و سایر مؤمنان را نیز تخطئه می‌کنند. این گروه در کشمگری دینی خود، ضلالت را به بهای هدایت خریداری کردند (طیب، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۰۶). برخی مفسران معتقدند اینان در واقع دین خدا را فروختند و کفر را به خدا به‌عنوان بها دریافت کردند. در واقع این خرید، اخذ و اعطا نبوده، بلکه ترک و اخذ بوده است (سبزواری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹).

در همین بخش، گونه دیگری از آسیب‌های فرهنگی ترسیم می‌شود که با عنوان خرید دنیا به



آخرت از آن یاد شده است. قرآن کریم در تحلیل و نتیجه‌گیری از عملکرد ناقضان میثاق الهی، آنان را چنین توصیف می‌کند:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»: اینان کسانی هستند که زندگی [زودگذر] دنیا را به [بهای ازدست‌دادن] آخرت [ابدی] خریدند؛ از این جهت نه عذابشان سبک می‌گردد و نه برای نجات از عذاب حمایتشان می‌کنند (بقره: ۸۶).

مطابق با این آیه، کسانی که به دنبال زندگی دنیوی هستند، فقط به قوانینی که منفعتشان را تأمین کند، پای‌بند خواهند بود و به سایر قوانین بی‌اعتنایند. این بیان نوعی تعلیل است؛ یعنی علت این همه نافرمانی آن است که آن‌ها دنیا را گرفتند و آخرت را نادیده شمردند. غافل از اینکه جهان دارای حساب و کتابی است که آن‌ها را به درجه سقوط کشانید. پس آخرت قیمتی است که از دست دادند و با آن دنیا را خریدند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۲).

در مقطعی دیگر از این موضوع، قرآن این آسیب را ناظر به امت اسلامی و عملکرد مسلمانان نیز در نظر داشته و در بیانی آگاهی‌بخش فرموده است:

«وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»: [آن] پیمانی را [که با] خدا [بسته‌اید]، به بهایی اندک نفروشید؛ زیرا آنچه [از بهشت و رضوان] نزد خداست، اگر بفهمید، برای شما بهتر است (نحل: ۹۵).

در نگاه ابتدایی، شاید مناسب‌تر بود از فعل «لَا تَبِيعُوا» استفاده می‌کرد، اما فرمود: «لَا تَشْتَرُوا»؛ زیرا اگر کالایی را به ازای وجه نقدی بدهند، صاحب کالا «بایع» و صاحب وجه «مشتري» است، اما اگر متاعی را به جای متاع دیگری بدهند، هر دو «بایع» خواهند بود. اینجا هم از گونه دوم است؛ یعنی عهد الهی با متاع دنیا معاوضه شده که همان «ثمن قلیل» است (طیب، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۱۸۳). با توجه به مخاطب نبودن اهل کتاب یا کفار در این آیه، آسیب فوق می‌تواند آحاد امت اسلامی را نیز تهدید و شرایطی را ایجاد کند که فرد یا گروهی از مسلمانان به جهت منافع مادی، «کثیر باقی» را فدای «قلیل فانی» کنند و این معامله پرضرر را متحمل شوند.

۲-۱-۲. آسیب‌های فرهنگی اقلیت‌های دینی

سطح دوم از این آسیب‌شناسی ناظر به اقلیت‌های دینی حاضر در تمدن اسلامی است که خاستگاه برخی آسیب‌های فرهنگی در تمدن اسلامی هستند. کتاب وحی اهل کتاب را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ»: و آیاتم را در تورات [که در برخی از آن‌ها اوصاف محمد ﷺ و قرآن است، با تغییر دادنشان] در برابر بهایی اندک نفروشید و تنها از من پروا کنید» (بقره: ۴۱).

این «ثمن قلیل»، براساس برخی روایات، یک مهمانی سالیانه از طرف یهودیان بود و برخی از آنان به‌خاطر همان مهمانی حاضر نبودند یهودیت را رها کنند و مسلمان شوند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۰). این گروه از آنجاکه مخاطب پیام وحی بودند و می‌توانستند با بهره‌گیری از کلام خدا راه او را گزینش کنند و در جرگه مؤمنان راستین درآیند، دارنده آیات خدا شناخته شدند. قرآن هم آنان را از فروش آیات منع کرد تا عوامل مادی سبب نشود تا هدایت الهی را از دست بدهند. همین سطح در مقطع دیگری نیز با ادبیاتی سنگین‌تر و به‌ضمیمه یک هشدار جدی بیان شده و خداوند فرموده است:

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»: قطعاً کسانی که آنچه را خداوند [از احکام، معارف، حلال و حرام] به‌عنوان کتاب [آسمانی] نازل کرده است، [به‌خاطر سود نامشروع خود، از مردم] پنهان می‌کنند و در برابر این [پنهان‌کاری] همواره بهای اندکی را انتخاب می‌کنند، جز آتش در شکم‌های خود نمی‌ریزند. خداوند روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و [از گناهان و زشتی‌های مرتکب‌شده] پاکشان نمی‌سازد و برای آنان عذابی دردناک است (بقره: ۱۷۴).

برخی مفسران واژه «يَشْتَرُونَ بِهِ» در این آیه را به معنای «دافِعِينَ لِلْكِتَابِ» دانسته‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۶)؛ یعنی به‌واسطه گرفتن آن ثمن قلیل، کتاب خدا را دفع می‌کنند و نمی‌پذیرند. در واقع اینان می‌دیدند که اگر حقیقت را آشکار کنند، پیروانشان و مردم به دین



اسلام روی می آورند و دیگر به آن‌ها مراجعه نخواهند نکرد و بازار آن‌ها از رونق خواهد افتاد (جعفری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۳۳).

جالب است که موضوع فوق در ادامه، با گونه دیگری از «اشتراء» تبیین شده است. قرآن در آیه بعدی می‌فرماید:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ»: آنان کسانی هستند که گمراهی را به جای هدایت و عذاب را به جای آمرزش انتخاب کردند. [شگفتا!] چه اندازه بر آتش دوزخ شکیبایند (بقره: ۱۷۵).

این تکمله، آشکارگر آن است که ایجاد آن آسیب فرهنگی در سطح اجتماعی، پیامدی مشخص در ایجاد یک باخت و ضرر شخصی و ابدی برای این گروه ضدفرهنگی دارد و آن خرید اختیاری، این خرید قهری را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین خرید و فروش ضدفرهنگی در آیات فوق، چنین تصویر می‌شود:

البته سایر آیات وحی نیز ابعاد دیگری از این موضوع را با همین ادبیات منتقل می‌کند و می‌فرماید: «مسلماً کسانی که کفر را به [بهای از دست دادن] ایمان خریدند، هرگز به خداوند هیچ زیانی نمی‌رسانند و برای آنان عذابی دردناک است» (آل عمران: ۱۷۷). اینان در واقع با این مبادله نوعی خودآزاری و ضرر به خود را محقق کردند... در بعد تاریخی، کتمان آیات و کتاب، نمونه دیگری از آسیب فرهنگی را نیز شامل گردیده است که مربوط به قرآن کریم نیست. در این باره کتاب وحی نسبت به اهل کتاب چنین می‌فرماید:

«و [به یاد آرید] آن زمان را که خداوند از عالمان اهل کتاب پیمان گرفت که معارف و احکام مندرج در کتاب‌های آسمانی خود را قطعاً و حتماً برای مردم به منظور هدایتشان بیان کنند و پنهانش نسازند. پس آن پیمان را ترک کردند و به آن اعتنایی نمودند و در برابر ترک آن، بهایی اندک گرفتند. بد چیزی است آنچه به دست می‌آورند» (آل عمران: ۱۸۷).

تعبیر «پشت سر افکندن»، بیان دقیقی از نوع عملکرد اهل کتاب نسبت به عهد درون دینی خود



است که آسیبی برون دینی داشت و از همراهی با پیامبر خاتم جلوگیری کرد. در واقع اینان عملاً رویکرد تقابلی با دین خدا و مسیر هدایت اتخاذ نمودند؛ به گونه ای که کتاب وحی به صراحت از آن یاد می کند و می فرماید:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالََةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ»: آیا وضع و حال کسانی که بهره ای اندک از کتاب [تورات و انجیل] به آنان عطا شد، ندانسته ای؟ آنان که [با پنهان کردن حقایق کتاب و تحریف برخی آیاتش] گمراهی می خرنند و [به سبب حسادت و دشمنی] می خواهند شما [هم] از راه [مستقیم] گمراه شوید (نساء: ۴۴).

مفسران اینان را احبار یهود دانسته و نصیب آنان را نیز علم به تورات شمرده اند (مغنیه، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۰۷). تعبیر «تَضَلُّوا» در آیه به روشنی می فهماند که یهودیان به گمراهی خود اکتفا نکرده و ضلالت مؤمنانی را که در راه مستقیم و حق قرار دارند نیز هدف گذاری نموده اند (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۸۶).

جالب است که قرآن در نگاه جامع خود، همان سان که آسیب فرهنگی این قشر را با ادبیات اقتصادی تشریح می کند، نقطه مطلوب در کنشگری فرهنگی از همین قشر را نیز مغفول نمی دارد و می فرماید:

«وَإِنَّ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلاً أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»: مسلماً از اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و آنچه به سوی شما و آنچه به سوی خودشان نازل شده مؤمن اند؛ در حالی که در برابر خداوند قلبی فروتن دارند و آیات خدا را [چون هواپرستان قومشان] به بهای اندک نمی فروشند. برای آنان نزد پروردگارش پاداشی شایسته است. بی تردید خداوند حسابرسی سریع است (آل عمران: ۱۹۹).

تعبیر «مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ» ناظر به قرآن و تعبیر «مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ» اشاره به تورات و انجیل است (مغنیه، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۹۶)؛ پس در برابر جریان ضد فرهنگی اقلیت های دینی، جریان ارزشی از این جماعت نیز تحلیل و ارزش گذاری می شود تا گمان نشود که هر قشر و گروهی را که رفتارهای ضد ارزشی بروز می دهند، می توان یک دست قضاوت نمود.



۲-۱-۳. تولیدات ضد فرهنگی

در سطح سوم، کتاب وحی به یک آسیب فرهنگی مهم با عنوان تولید محتوای ضد ارزشی در قالب معارف دینی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ»: پس وای بر کسانی که نوشته‌ای را از نزد خود [به‌عنوان آیات تورات] می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این آیات از سوی خداست» تا با این [کار زشت خائنانه] بهایی اندک به دست آورند. پس عذاب شدید بر آنان از آنچه دست‌هایشان [با تکیه بر هوای نفسشان] نوشت و حسرت هلاکت بر آنان از آنچه [از رشوه و مال حرام] به دست می‌آورند (بقره: ۷۹).

این موضوع نیز با همان اصطلاح «اشترا» البته ناظر به فعالیت‌های فرهنگی ضداسلامی بیان گردیده است؛ هرچند مفسران جنبه مادی آن را نیز در نظر داشته و آن را برخوردارهای اندک و مال حرام و رشوه توصیف نموده‌اند (دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۳). برخی نیز گفته‌اند: «مقصود از نوشتن به دست‌هایشان این است که تورات را تحریف نمودند و اوصاف پیامبر را تغییر دادند تا عوام یهود را به شک و تردید بیاندازند» (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۹۲). در این معنا، آسیب فرهنگی فوق‌بُعد مالی مستقیم ندارد؛ اما از آنجاکه منافع مادی برای بزرگان یهودیت در مدیریت افکار عمومی یهودیان در تقابل با اسلام نقش دارد، مورد توجه است.

در سطحی دیگر از همین موضوع، قرآن کریم از آسیبی به نام «فروش عهد خدا» یاد می‌کند و می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ عَهْدَ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُرْكَبُهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»: مسلماً کسانی که پیمان خداوند و سوگند‌هایشان را [برای مقاصد مادی] به بهایی اندک می‌فروشند، برای آنان در آخرت هیچ نصیبی نیست. خداوند هم با آنان سخن نمی‌گوید و در قیامت به‌سوی آنان نظر [لطف و رحمت] نمی‌اندازد و [از گناه و آلودگی] پاکشان نمی‌سازد. برای آنان عذاب دردناکی است (آل عمران: ۷۷).

برخی از مفسران، واژه «يُسْتَرُونَ» در این آیه را به معنی «يَسْتَبِدِلُونَ» دانسته و عهد خدا را تعهد الهی نسبت به ایمان به پیامبر و ادای امانات معنا نموده‌اند (بیضاوی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴). بعضی نیز عهد خدا را شامل امر و نهی الهی و آنچه که عقل انسان را به دوری کردن از باطل و انقیاد نسبت به حق وامی‌دارد، دانسته‌اند (ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۱۰). اما قسمت بعدی آیه که به سوگندهای این افراد مرتبط است، بعد مادی روشن‌تری دارد. برخی ذیل این آیه روایتی را از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند که فرمود: «هرکس سوگندی بخورد که به وسیله آن مال برادرش را قطع کند، در روز قیامت خداوند را خشمناک ملاقات خواهد کرد». (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۴۳). بعضی نیز در تفسیر آیه نوعی از نفاق را مطرح کرده و گفته‌اند: «آنان با ادعای مسلمانی به مردم نزدیک می‌شدند و چیزهایی را از آن‌ها می‌گرفتند، ولی بعد به آن‌ها خیانت می‌کردند؛ درحالی‌که حقیقتاً مسلمان هم نبودند» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵۵).

سطح دیگری که قرآن در عرصه فرهنگی با همین ادبیات بیان کرده، نوعی از خودفروشی (اشتراک نفس) ضد فرهنگی، اما در معنای غیررایج آن است. قرآن در برابر یهودیانی که حقیقت نبوت رسول خاتم را پس از شناخت آن انکار می‌کردند، می‌فرماید:

«بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ قَبَاءٌ وَبَغْضٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ»: بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند و آن کفرورزی از روی حسادت به کتابی است که خدا [بر محمد ﷺ] نازل کرده است. آن‌ها [معتزانه می‌گویند: چرا] خداوند از باب احسانش به هرکه از بندگانش بخواهد کتاب آسمانی نازل می‌کند؟! پس آنان به خشم پی‌درپی خداوند که مستحق آن بودند، دچار شدند و برای منکران [قرآن و پیامبر] عذاب‌های خوارکننده است» (بقره: ۹۰).

اینجا پرسشی مطرح می‌شود که یهودیان چگونه خود را فروختند؟ برخی این موضوع را چنین توضیح داده‌اند که بیع و شراء در واقع عبارت از ازاله مالکیت مالک و انتقال آن به دیگری در قبال اخذ چیزی است؛ لذا این موضوع در مورد هر عوض و معوضی چه مثبت و چه منفی به کار رفته است و چون یهودیان به واسطه انکار پیامبر اسلام و کفر به ایشان خود را در هلاکت انداختند، از این رو خداوند آنان را به چیزی که می‌شناسند مخاطب قرار داده و فرموده است که به بد چیزی



در عوض ثواب الهی راضی شده‌اید (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۱۴). برخی معتقدند: «یهودیان در برابر هدایایی، اوصاف حضرت محمد ﷺ را کتمان کردند و قرآن این موضوع را نوعی خودفروشی می‌داند» (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷۲).

باید توجه داشت که در نگاه قرآن این آسیب صرفاً ناظر به یهودیت و مسیحیت نیست و مشرکان نیز رصد می‌شوند. کتاب وحی در یک مقطع پس بیان ویژگی مشرکان در رعایت نکردن خویشاوندی و پیمان می‌فرماید:

«اَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»: آیات خدا را با بهایی اندک فروختند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند. همانا بد است آنچه همواره انجام می‌دادند (توبه: ۹).

براساس گزارشی تاریخی، ابوسفیان یک مهمانی و پذیرایی فراهم نمود و جمعی از مردم را دعوت کرد تا به این وسیله، دشمنی آن‌ها را با پیامبر و اسلام برانگیزد؛ لذا تبعات این آسیب و این عملکرد منفی، عموم افرادی را که زمینه هدایت و همراهی با فرهنگ اصیل اسلامی را داشتند، تهدید نمود و به‌علاوه می‌توانست بسترساز آسیب‌های بیشتر هم باشد.

در گام بعدی قرآن با آسیب‌شناسی از «مردم»، گروهی از آنان را خریدار یک پدیده ضدفرهنگی می‌داند و می‌فرماید:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»: برخی از مردم خریدار سخنان باطل [و داستان‌های سرگرم‌کننده] اند تا بدون هیچ دانشی، [بلکه بر پایه جهالت و نادانی، مردم را] از راه خداوند منحرف کنند و آن را به استهزا بگیرند. برای آنان عذابی خوارکننده است (لقمان: ۶).

مراد از اصطلاح «لهو الحدیث» در این آیه، هر چیزی است که انسان را از راه خدا و بندگی باز دارد که یک مصداق آن غنا و مصداق دیگر تمسخر قرآن دانسته شده است (سیدکریمی حسینی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۱۱). برخی مفسران نیز به قرینه «اَشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَى» مصداق این اصطلاح را شرک دانسته‌اند (هواری، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۲۹۳). اما در بعد تاریخی برخی معتقدند

این آیه در مورد نضر بن حرث و دیگرانی نازل شد که پس از سفر به فارس، برخی اخبار عجم را خریدند و آن‌ها را برای قریش بازگو نمودند و گفتند: «اگر پیامبر اخبار عاد و ثمود را می‌گوید، ما هم اخبار رستم و اسفندیار را می‌گوییم» و با این ارائه محتوا، آنان استماع قرآن را رها می‌کردند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۹۰). بعضی نیز گزارش کرده‌اند که مردی کنیزی خواننده خریده بود و روز و شب به غنای او گوش می‌داد (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۹۰). با توجه به اینکه در آیه، جامعه هدفی برای «لهو الحدیث» در نظر گرفته شده است، می‌توان گفت گزارش تاریخی نخست قابل قبول‌تر است. به هر روی تولید یا ارائه محتوایی که باعث جدایی مردم از راه خدا و کلام او شود، مصداق این آسیب فرهنگی شناخته می‌شود.

۳. افزایش تعاون و همیاری اجتماعی

می‌دانیم که تعاون و همکاری افراد جامعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای پیشرفت جوامع انسانی است. تمدن‌پژوهان به جایگاه شاخص و پراهمیت تعاون و همکاری در اعتلای تمدنی پرداخته‌اند (ولایتی، ۱۳۸۴، ص ۲۰). اساساً هر تمدن محصول فرآیند تشکیلاتی افراد جامعه انسانی دارای اهداف مشترک است و تمدن بدون همکاری هم‌گرایانه و مشارکت کردن در نقش‌های مختلف اجتماعی بین افراد جامعه امکان شکل گرفتن باثبات و دوام ندارد؛ بنابراین تعاون و همکاری اعضای اجتماع از عوامل مؤثر در زایش و اعتلای تمدن محسوب می‌شود (همان). در همین راستا، فرهنگ اسلامی تعاون و همکاری اجتماعی را در آموزه‌های تمدنی خود به انحاء مختلف و مبتنی بر نگرش توحیدی دنبال نموده است تا امت اسلامی از چالش‌های درون اجتماعی مصون بماند. بخشی از گفتمان اقتصادی قرآن کریم نیز در همین زمینه بروز یافته است. کتاب وحی در دو مقطع مشابه، مفهوم «قرض به خدا» را مطرح فرمود تا کنش‌گری مؤمنانه امت در همیاری مالی با سایر مؤمنان را به رویکرد معنوی پیوند بدهد. در یک مقطع فرمود:

«مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»: کیست که برای [جلب خشنودی] خدا [به نیازمندان] قرض‌العسنة بدهد تا خدا آن را برایش به چندین برابر افزایش دهد؟ خداست که روزی را تنگ می‌کند و توسعه می‌دهد. [همه شما را برای دریافت پاداش این عمل خیر] به سوی او بازمی‌گردانند (بقره: ۲۴۵).

قابل توجه اینکه در آیه قید «حَسَن» آمده است؛ یعنی وام و قرضی که می‌دهید نیکو باشد و



کمک و بخشش به مردم همراه با اخلاص و احترام و حفظ شخصیت باشد؛ نه اینکه با منت گذاری یا اذیت همراه شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۴۴). بر این اساس، این فراز هم‌میلاری اجتماعی را تذکر داده و هم حفظ آداب مؤدبانه اجتماعی را یادآور گردیده است. اما برخی این قید را ناظر به منبع این قرض دانسته‌اند؛ به این معنا که قرض باید از مال حلال باشد (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۱، ص ۴۴۳). بر این اساس، فراز فوق علاوه بر هم‌میلاری اجتماعی، به سلامت اقتصادی در این مسئله نیز توجه می‌دهد.

علاوه بر قرض، انفاق نیز در همین گفتمان در کتاب وحی قابل رصد است. قرآن کریم پس از آنکه عالمان را تنها خشیت‌گران در برابر خدا می‌داند، آنان را چنین معرفی می‌کند: «به‌راستی کسانی که همواره کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز را [با شرایط ویژه‌اش] می‌خوانند و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم در نهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی امید دارند که هرگز کساد و نابود نمی‌شود» (فاطر: ۲۹). این آیه علاوه بر عبادات، انفاق را هم مصداق نوع خاصی از «تجارت» دانسته است که این گروه از آن بهره‌مند می‌گردند. هرچند بعد فرامادی و اخروی این تجارت معنوی در آیه مد نظر است، خروجی دنیوی آن، کمک و هم‌میلاری نسبت به نیازمندان و فقرا انگاشته می‌شود. همین نوع از تجارت با قید «نجات‌دهنده از عذاب دردناک»، در بخشی دیگر از آیات وحی ناظر به هم‌میلاری اجتماعی بیان شده است. خداوند در فرازی تمامی جامعه ایمانی را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ: ای مؤمنان، آیا شما را به تجارتی که از عذابی دردناک نجاتتان دهد، راهنمایی کنم؟ به خداوند و پیامبرش ایمان بیاورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید. این [ایمان و جهاد] از هر چیزی برای شما بهتر است؛ اگر [به منافع دنیایی و آخرتی‌اش] آگاه باشید (صف: ۱۰-۱۱).

جهاد با مال که در این آیه مصداق تجارت قرار گرفته است، می‌تواند نمونه‌های متعددی داشته باشد و برخی آن را انفاق در هر راه خیر دانسته‌اند (مهانمی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۴۰)؛ بر این اساس، شامل هم‌میلاری اجتماعی در هرگونه هزینه‌کرد مالی خواهد بود.

جالب آنکه همسوا ادبیات قرآن، همین ظرفیت اجتماعی در ادبیات معصومان نیز به‌صراحت

دنبال شده است. حضرت علی علیه السلام در بیانی فرمود: «هنگامی که دچار فقر شدید، با خداوند به وسیله صدقه تجارت کنید» (سیدرضی، ۱۳۷۷، قصار ۲۵۸؛ لیشی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵). کمک به مستمندان در هیچ کدام از انواع تجارت‌های رایج نمی‌گنجد و حتی عقول مادی و عادی، انسان را به بذل نکردن مال به دیگران توصیه می‌کند؛ اما انفاق در نگاه فرامادی معصوم، به‌عنوان کنشی اقتصادی و نوعی تجارت معرفی شده است تا درک روشن‌تری از آثار و برکات آن ایجاد گردد.

۴. افزایش و ثبات امنیت جانی و سرزمینی

تمدن‌پژوهان همواره به جایگاه امنیت در یک تمدن پویا اشاره کرده و آن را عامل مهمی در مانایی و اعتلای تمدن‌ها برشمرده‌اند (اسعدی، ۱۴۰۱، ص ۳۳). فرهنگ اسلامی مهم‌ترین مؤلفه در تأمین امنیت را «جهاد» دانسته و قرآن کریم هم آن را به طرق مختلف فرهنگ‌سازی کرده که بخشی از آن ذیل گفتمان اقتصادی قرآن کریم شکل گرفته است. در آشکارترین نمونه آن که هردو واژه «اشترأ» و «بیع» به کار رفته است، می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ... فَاسْتَبَشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»: مسلماً خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است. [مؤمنانی که] همواره در راه خدا نبرد می‌کنند و [دشمن را] می‌کشند و [خود] کشته می‌شوند... پس [ای مؤمنان،] به [این] دادوستدی که با خداوند داشته‌اید، خوشحال باشید. این است کامیابی بزرگ» (توبه: ۱۱۱).

بر اساس این آیه، در چنین معامله‌ای خداوند مشتری است و مؤمنان بایع هستند. ثمن بهشت و مضمن هم جان آنان است (مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۰۵). این فراز به روشنی موضوع جهاد در راه خدا و شهادت‌طلبی را به نوعی معامله تعبیر نموده است که هرچند برای شخص شهید خروج از دنیا و حیات و سعادت ابدی را در پی دارد، برای جامعه ایمانی و سرزمین‌های اسلامی امنیت‌آفرین است. نکته جالب آنکه این معامله الهی به صورت مشخص در برابر کسانی است که معامله دیگری در نقطه مقابل آن انجام داده‌اند؛ لذا خداوند در جای دیگر فرموده است:

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ»: آنان که [براساس آگاهی و معرفتشان به حقایق،] زندگی [زودگذر و فانی] دنیا را با آخرت [پرنعمت جاودانی] مبادله می‌کنند، البته باید در راه خدا بجنگند (نساء: ۷۴).



پس قرآن کریم در عرصه نظامی دو نوع فروشنده تبیین نموده است. گروه نخست که برای تمدن اسلامی نقش امنیت آفرین دارند و جان خود را به خدا می فروشند و گروه دومی که بر علیه جامعه و امت اسلامی نقش نظامی بروز می دهند.

همین موضوع در بعد امنیتی نیز در بیان قرآن کریم رخ نموده است. کتاب وحی در وصف کسانی که با ایشار و از خودگذشتگی جان خویش را در راه خدا فدا می کنند، می فرماید:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»: از مردم کسی [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] است که جانش را برای به دست آوردن خشنودی خدا می فروشد. خداوند به بندگان بسیار مهرورز است (بقره: ۲۰۷).

می دانیم که شأن نزول این آیه ماجرای لیلۃ المبیّت و فداکاری حضرت علی علیه السلام در خوابیدن به جای پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۳۵). ایشان در آن شرایط حساس امنیتی جان خود را سپر بلای پیامبر صلی الله علیه و آله نمود و فرایند هجرت ایشان به مدینه را پشتیبانی نمود. البته برخی مفسران در نگاهی کلی، تفسیر آیه را ناظر به هرکسی دانسته اند که با دشمنان مسلمانان جهاد می کند یا در راه امر به معروف و نهی از منکر جان می دهد (طبری، ۱۴۱۲ق، ص ۱۸۷). به هر روی به فروش جان به خریداری خداوند، در این فراز قرآنی هم توجه شده است. این معامله تأمین کننده جهاد و از جان گذشتن و امنیت آفرینی برای رهبر جامعه ایمانی یا امت اسلامی خواهد بود.

نکته پایانی آنکه دقیقاً بر همین مینا، اهل بیت علیهم السلام نیز در نگاهی کلی و با استفاده از همین ادبیات، تمام فعالیت های مثبت دنیوی را جانمایی نموده اند (میراحمدی، ۱۴۰۲، ص ۶۸). حضرت علی علیه السلام در توصیف دنیا و در مواجهه با کسانی که نگاه منفی به حیات دنیوی دارند، چنین فرمود: «دنیا... تجارت خانه اولیای الهی است که در آن بهشت را کسب می کنند و سودی که می برند، رحمت خدا است...» (کوفی اهوازی، ۱۳۹۹ق، ص ۴۷). این نگره، ظرفیت ایجاد همه فعالیت های مثبت اجتماعی را فراهم می کند و هرگونه فردگرایی یا رویکردهای انزوی را از سبک زندگی آحاد جامعه می زاید و کمک می کند که با همان نگاه منفعت گرایانه، اما با رویکردی معنوی و ابدی، نقش های انسانی به بهترین شکل بروز یابد.

نتیجه گیری

براساس یافته‌های پژوهش، قرآن کریم با کاربست واژگان اقتصادی که همه‌فهم و برای عموم جامعه کاربردی است، می‌کوشد تا جامعه را با این مضامین، به سمت آنچه تمدن تراز اسلامی بدان نیاز دارد، سوق دهد و با ایجاد گفتمانی رایج در فضای امت اسلامی، نسبت به نقش آفرینی هرچه بیشتر آحاد مسلمانان هدف‌گذاری نماید. بر این اساس می‌توان گفت یکی از روش‌های قرآن در فرهنگ‌سازی در این عرصه، استفاده از واژگانی است که با ایجاد ذهنیتی همسو با منافع مالی، کنشگری تمدنی را بسترسازی کند. علاوه‌براین مشخص گردید که قرآن در کاربست این واژگان، هم به آسیب‌های اقشار مسلمان توجه می‌کند و هم آسیب‌های غیرمسلمانانی را که بر فرهنگ و تمدن امت اسلامی اثر می‌گذارند، مطمح‌نظر قرار می‌دهد؛ یعنی در مسیر ارتقای فرهنگ جامعه و نیز تمدن‌سازی، نمی‌توان صرفاً به منش مسلمانان توجه داشت؛ بلکه باید با نگاهی کلان، منش همگان را آسیب‌شناسی کرد.







پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب نامه

- قرآن کریم (حسین انصاریان، مترجم) ابن عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام، (۱۴۲۹ق). تفسیر العزیز بن عبدالسلام (عبدالرحمن احمد فتحي، تلخیص). دار الکتب العلمیة. اسعدی، محمد مصطفی. (۱۴۰۱). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. مؤسسه البعثة مرکز الطباعة والنشر. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (بی تا). تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل. المتبعة العامرة. جعفری، یعقوب. (۱۳۹۰). تفسیر کوثر. هجرت.
- دهقانی، محمد. (۱۴۰۰). عوامل شکوفایی علم در تمدن اسلامی و بازآفرینی نقش آن در تمدن نوین اسلامی. پژوهش‌های گفت‌وگو تمدنی انقلاب اسلامی، (۱۱)، ۸۲-۹۹. 20.1001.1.37952538.1400.1.1.6.4.99-82. DOR:
- دینوری، عبدالله بن محمد. (۱۴۲۴ق). تفسیر ابن محمد المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم. دار الکتب العلمیة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- روحانی، سید سعید. (۱۳۹۹). مبانی نظری تمدن اسلامی در قرآن کریم و تجلی آن در بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی). (نجم الهدی).
- سبزواری، محمد. (۱۴۱۹ق). ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن. دار التعارف للمطبوعات.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر سمرقندی. دارالفکر.
- سید رضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۷). نهج البلاغة (سید جعفر شهیدی، مترجم). علمی و فرهنگی.
- سیدعباس، سیدکریمی حسینی. (۱۳۸۲). تفسیر علّین. اسوه.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر الفرقان. مکتبه محمد الصادقی الطهرانی.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق. (۱۴۲۰ق). فتح البیان فی مقاصد القرآن. دار الکتب العلمیة.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). تفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم. دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر مجمع البیان. مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). دار المعرفة.
- طیب، عبدالحمین. (۱۳۸۶). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. مؤسسه جهانی سبطن.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. اسماعیلیان.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. بنیاد بعثت.
- کاشفی، محمدرضا. (۱۳۹۰). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید. (۱۳۹۹ق). الزهد. المطبعة العلمیة.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم والمواعظ (حسین حسینی بیرجندی، مصحح). مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۵ق). تفسیر المبین. دار الکتب الاسلامیة.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۸۶). تفسیر الکاشف. بوستان کتاب.
- مهانمی، علی بن احمد. (۱۴۰۳ق). تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن وتیسیر المئان. عالم الکتب.
- میراحمدی، عبدالله؛ و امانی پور، مونا. (۱۴۰۲). کاربست مفهوم چند وجهی دنیا در نهج البلاغه و برون داد ارزش‌گذارانه آن. پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، ۱۰(۱۸)، ۶۸-۹۲. doi: 10.22034/PHT.2023.14025.1353
- میرجلیلی، علی محمد و دیگران. (۱۳۹۳). شاخصه‌های اقتصادی تمدن اسلامی (کار، سرمایه و تولید). هشتمین همایش بین المللی پژوهش‌های قرآنی. ش ۱۰۰-۱۰۳. <https://civilica.com/doc/967971>
- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۴). فرهنگ و تمدن اسلامی. دفتر نشر معارف.
- هواری، هود بن محکم. (۱۴۲۶ق). تفسیر کتاب الله العزیز. دار البصائر.

Cultural Formation of Non-Economic Requirements for Civilization Building in the Economic Vocabulary of the Holy Quran

Received: 2023/12/31 [10.22034/JKSL.2024.431175.1297](https://doi.org/10.22034/JKSL.2024.431175.1297)   * Seyyede Samaneh Notghi Moghadam
Accepted: 2024/05/06 [20.1001.1.27833356.1403.5.2.6.6](https://doi.org/20.1001.1.27833356.1403.5.2.6.6)   ** Mohammad Mostafa Asadi

Type of Article: Research

Abstract

The realization of the Quranic utopia is based on understanding all cultural and civilizational aspects of the Book of Revelation. This research addresses the question: What are the components of cultural formation for the non-economic civilizational requirements of the Islamic Ummah, as reflected in the economic vocabulary of the Holy Quran? According to the research findings through analytical methods, the elimination of cultural harms is identified as the most substantial issue, also increasing cooperation and social support, as well as enhancing and stabilizing personal and territorial security, are requirements embedded in such vocabulary of the Quran. Consequently, it was determined that the Quran, by employing economic terms that are comprehensible and practical for the general public, seeks to guide the society towards what an Islamic civilization necessitates. It aims to foster a prevalent discourse within the Islamic community to enhance the civilizational role of all Muslims. Furthermore, in utilizing these terms, the Quran addresses the harms faced by Muslim communities and the impacts of non-Muslims on the culture and civilization of the Islamic Ummah.

Keywords: Quran and Culture, Quran and Civilization, Civilization Building, Cultural Formation, Economic Vocabulary of the Quran

*. PhD Student in Islamic Civilization and Culture Studies, Faculty of Historical and Civilization Studies, University of Islamic Teachings, Qom, Iran (Corresponding author) .

baran.notghi1364@gmail.com

** . Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Faculty of Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.





Introduction

The Holy Quran is a foundational element of Islamic culture and serves as a standard for the worldview, conduct, and actions of humanity across all ages. This divine source presents human-building norms both at the individual and social levels with the aim of gradual cultural development. Thus, it teaches specific models, methods, and styles to individuals that can be beneficial for the enhancement of Islamic society and the construction of an ideal Islamic civilization. The Quran's diverse teachings address the broader issue of civilization building. For instance, the economic terminology in the Quran primarily brings to mind financial matters such as buying, selling, earnings, wealth, trade, loans, and so forth. However, these economic terms are also employed in non-economic contexts. The research at hand examines the application of economic terminology in non-economic subjects with the goal of cultural and civilizational enhancement relevant to the needs of the Islamic community.

Research Method

The hypothesis of this research is that the Quran, in sections that contain economic themes, also discusses various aspects of Islamic civilization that have both financial and non-financial dimensions. By doing so, it aims to create a model civilization for all historical periods, with a comprehensive role for both governance and the people within the Islamic community. This is conditional on a profound and precise understanding of the Holy Book being imparted to all Muslims. The research method employed is descriptive-analytical. First, Quranic verses with economic themes are identified, and then their semantic implications are analyzed. Economic terms in their economic sense are distinguished from those with non-economic, civilizational, and cultural implications.

The following verses contain the main themes related to the application of economic terms in non-economic, civilizational, and cultural contexts: Surah An-Nisa verses 111-112, 44, and 88; Surah Al-Ma'idah verse 38; Surah Al-An'am verse 129; Surah Fussilat verse 17; Surah Al-Baqarah verses 16, 79, 86, 90, 41, 174, 175, and 245; Surah An-Nahl verse 95; Surah Aal-e-Imran verses 77, 175, 187, and 199; Surah At-Tawbah verse 9; Surah Luqman verse 6; Surah Fatir verse 29; Surah As-Saff verses 10 and 11.

Subsequently, by referring to Quranic exegeses such as "Tafsir Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran," "Tafsir Kauthar," "Tafsir Al-Furqan," "Tafsir Aliyin," "Tafsir Samarqandi," "Tafsir Majma' al-Bayan," and "Tafsir Jami' al-Bayan Fi Tafsir al-Quran," civilizational and cultural issues related to Quranic terminology are enumerated, followed by detailed explanations.



Research Findings

- Eliminating Cultural Damages:

Culture is a key factor in the emergence of any civilization (Kashfi, 2011, p. 30). Without addressing cultural damages, the path to advancement cannot be pursued. The Holy Book also pays attention to the cultural issues of the community. In numerous verses, the Quran uses the economic term “acquisition” (كسب) to describe religious deviance (إثم) or wrongdoing (خطيئة), which are clear indicators of religious anomalies (An-Nisa: 111-112).

- Cultural Damages within the Islamic Community:

The first level of this cultural perspective concerns Muslims who have personal issues. After identifying the characteristics of those with diseased hearts, the Quran concludes its socio-ethical discussion by stating:

“They are those who have purchased error in exchange for guidance, so their transaction has brought no profit, and they were not guided” (Al-Baqarah: 16).

- Cultural Damages among Religious Minorities:

The second level of this cultural diagnosis pertains to religious minorities within Islamic civilization, which are sources of certain cultural damages within the Islamic civilization. The Holy Book addresses the People of the Book, who are aware of Allah’s verses, and prevents them from selling the verses so that they may be guided.

- Anti-Cultural Productions:

At the third level, the Holy Book refers to a significant cultural issue involving the production of anti-value content disguised as religious knowledge and states:

“So woe to those who write the ‘scripture’ with their own hands, then say, ‘This is from Allah,’ in order to exchange it for a small price. Woe to them for what their hands have written and woe to them for what they earn” (Al-Baqarah: 79).

- Increasing Cooperation and Social Solidarity:

Cooperation and collaboration among members of society are essential for the progress of human societies (Velayati, 2005, p. 20). Islamic culture pursues cooperation in its civilizational teachings based on a monotheistic perspective. Part of the Quran’s economic discourse is also reflected in this context. The Holy Book, in two similar instances, presents the concept of “loan to Allah” to connect the believers’ financial cooperation with other believers to a spiritual perspective (Al-Baqarah: 245).

- Enhancing and Stabilizing Personal and Territorial Security:

Security is a key component of the continuity and advancement of civilizations (Asadi, 2022, p. 33). Islamic culture considers “jihad” as the most important element

in ensuring security, and the Quran promotes this concept in various ways, with part of it being framed within the Quran's economic discourse. The most evident example is found in the terms "buying" (اشترأ) and "selling" (بيع) in Surah At-Tawbah verse 111, where Allah is the buyer, the believers are the sellers, and the reward is paradise.

Conclusion

Based on the research findings, the Quran uses economic terms that are easily understood and applicable to the general public to guide society towards the needs of an Islamic civilization. By creating a common discourse in the Islamic community, it aims to enhance the participation of all Muslims. Therefore, it can be said that one of the Quran's methods for cultural development in this field is the use of terms that, by aligning with financial interests, lay the groundwork for civilizational actions. Additionally, it has been clarified that the Quran, in applying these terms, not only considers the damages within Muslim groups but also takes into account the influences of non-Muslims that affect the culture and civilization of the Islamic community. This indicates that in the path of cultural development and civilization building, one should not only focus on the conduct of Muslims but also take a broad view to analyze the behavior of all individuals.

How to cite

Notghi Moghadam, S. S., & Asadi, M. M. (2024). Cultural Formation of Non-Economic Requirements for Civilization Building in the Economic Vocabulary of the Holy Quran. *Quran, Culture And Civilization*, 5(2), 132 -156. doi: 10.22034/jksl.2024.431175.1297

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



References

- The Holy Quran (Ansarian, H. ,Translator) [in Persian].
- Al-`Arūsī Ḥuwaizī, A. A. J. (1994). *Tafsīr Nūr al-Thaqalain*. Ismailiyan.
- Asadi, M.M. (2022). *History of Islamic Culture and Civilization*. Office of the Supreme Leader's Representative at Universities. [in Persian]
- Bahrānī, H. S. (1994). *Al-Burhān fi Tafsīr Al-Quran*. Al-Baath Institution for Printing and Publishing. [in Arabic]
- Bayḍāwī, A. `U. (n.d.). *Tafsīr Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta`wīl*. Al-Mutaba`ah Al-Amirah. [in Arabic]
- Dehghani, M. (2021). Factors of Development of Science in Islamic Civilization and Its Role in the Renaissance of Modern Islamic Civilization. *Discourse of the Islamic Revolution Studies*, 1(1), 82-99. [in Persian]
- Dinvari, A. M. (2003). *Tafsir Ibn Mohammad Known as Al-Wādhih fī Tafsīr Al-Quran Al-Karīm*. Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [in Arabic]
- Howairi, H. M. (2005). *Tafsīr Kitāb Allah Al-Azīz*. Dar Al-Basair. [in Arabic]
- Ibn Abd al-Salam, A. A. (2008). *Tafsīr Al-`Iz by Ibn `Abd al-Salām* (Abdul Rahman Ahmad Fathi, summarizer). Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [in Arabic]
- Jafari, Y. (2011). *Tafsir Kousar*. Hijrat. [in Persian]
- Kāshifī, M. R. (2011). *History of Islamic Culture and Civilization*. [in Persian] International Center for Translation and Publication of Mustafa.
- Kūfī Ahwāzī, H. S.. (1980). *Al-Zuhd*. Al-Matba`ah Al-Ilmiyah. [in Arabic]
- Leithi Wasiti, A. M.. (1997). *Uyyūn al-Ḥikam wa al-Mawā`iz* (Corrected by Hossein Hosseini Birjandi). Scientific and Cultural Institute Dar Al-Hadith. [in Arabic]
- Maghniyeh, M. J. (2004). *Tafsīr Al-Mubīn*. Dar Al-Kotob Al-Islamiyah. [in Arabic]
- Maghniyeh, M. J. (2007). *Tafsīr Al-Kāshif*. Bustan Ketab[in Arabic] .
- Mahāimī, A. A. (1983). *Tafsīr Al-Quran Known as Tafsīr al-Raḥmān wa Taysīr al-Mannān*. Alam Al-Kotob. [in Arabic]
- Mirahmadi, A., & Amanipour, M. (2023). Application of the multifaceted concept of the world in Nahj al-Balaghah and its valuing output. *Pajooeshname Hadith Tatbigheh*, 10(18), 68-92. doi: 10.22034/PHT.2023.14025.1353 .[in Persian]
- Mirjalili, A. M. et al. (2014). *Economic Indicators of Islamic Civilization (Work, Capital, and Production)*. Eighth International Quranic Research Conference. pp. 1-100. Retrieved from <https://civilica.com/doc/967971>[in Persian]
- Qurshi, S. A. A. (1998). *Tafsīr Aḥsan al-Ḥadīth*. Basij Foundation. [in Persian]
- Rezaei Isfahani, M. A. (2008). *Tafsir Quran Mehr*. Quranic Interpretation and Sciences Research. [in Persian]
- Rouhani, S. S. (2020). *Theoretical Foundations of Islamic Civilization in the Quran and Its Manifestation in the Statements of Imam Khomeini and the Supreme Leader*. Najm Al-Huda. [in Persian]
- Sabzivari, Md. (1998). *Irshād al-Adhhān ilā Tafsīr Al-Quran*. Dar Al-Ta`arof Lil Matbuat. [in Arabic]
- Sadeghi Tehrani, M. (1998). *Tafsir Al-Furqān*. Mohammad Sadeghi Library. [in Persian]
- Sadiq Hasan Khan, M.S. (1999). *Fath al-Bayān fī Maqāsid al-Quran*. Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [in Arabic]
- Samarqandī, N. M. (1995). *Tafsīr Samarqandī*. Dar Al-Fikr. [in Persian]



- Seyed Raḏī, M. H. (1998). Nahj al-Balaghah (Translated by Seyed Jafar Shahidi). Scientific and Cultural Publications. [in Arabic]
- Seyyed Abbas, S. K. H. (2003). Tafsīr Ilīyyīn. Asvad. [in Arabic]
- Ṭabarānī, S. A. (1994). Tafsīr Al-Kabīr: Tafsīr Al-Quran Al-'Aẓīm. Dar Al-Kitab Al-Thaqafi. [in Arabic]
- Ṭabarī, M. J. (1991). Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr Al-Quran (Tafsir Al-Tabari). Dar Al-Ma'arif. [in Arabic]
- Ṭabarsī, F. Ḥ. (2007). Tafsīr Majma' al-Bayān. Al-Alami Institute for Publications. [in Arabic]
- Ṭayyib, A. H. (2007). Aḥyab al-Bayān fī Tafsīr Al-Quran. Jahani Sabtin Institute. [in Persian] [in Arabic]
- Velayati, A. A.. (2005). Culture and Civilization of Islam. Ma'aref Publication. [in Persian]



COPYRIGHTS

@2023 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

